

عزاداری جدید

و

عزاداری صحیح

تألیف:

محمد نیکنام عربشاهی

انتشارات



نصر پروانه

تهران - ۱۳۹۵

- سرشناسه : نیکنام عرشاهی، محمد، ۱۳۴۲ -
- عنوان و نام پدیدآور : عزاداری جدید و عزاداری صحیح / محمد نیکنام عرشاهی.
- مشخصات نشر : تبریز: انتشارات نصر پروانه، ۱۳۹۲.
- مشخصات ظاهری : ۲۸۰ ص.
- شابک : 978-600-7064-41-2
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : چاپ قبلی: محمد نیکنام عرشاهی، ۱۳۸۴ (۱۴۸ ص.).
- یادداشت : چاپ چهارم.
- یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ قی - سوگواری ها -- دفاعیه ها و ردیه ها
- موضوع : سوگواری ها -- نقد و تفسیر
- موضوع : روضه خوانی -- نقد و تفسیر
- موضوع : سوگواری های اسلامی -- دفاعیه ها و ردیه ها
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ن ۴۹۰/۴ BP۲۶۰
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۱۰۳۱۷



عزاداری جدید و عزاداری صحیح

تألیف:

محمدنیکنام عربشاهی

انتشارات نصر پروانه

تبریز - چهارراه بهشتی (منصور) مجتمع اطلس

ط. زیرزمین پلاک ۲

تلفن: ۳۵۵۴۷۶۷ - ۰۴۱ همراه: ۰۹۱۴ ۷۷۷۷ ۴۶۶

np_nashr@yahoo.com

www.ann-pub.com

تایپ و صفحه‌آرایی : فرشید

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۵

اندازه و تعداد صفحه : رقی ۲۸۰ ص

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۴-۴۱-۲ - ISBN: 978-600-7064-41-2

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

پیشگفتار

عزاداری و گریه بر ابا عبدالله الحسین (ع) غیر از بعد عبادی و ثوابی که بر آن ذکر شده، بعد سیاسی هم دارد که معمولاً مورد غفلت قرار می گیرد و این بعد سیاسی عزاداری است که اسلام را زنده نگه داشته است و به امت وحدت کلمه بخشیده و آنان را در برابر دشمنان پیروز کرده است، و در انسانها روحیه ایثار، فداکاری، آزادگی، فوت، مردانگی، غیرت، حق خواهی، حق طلبی، ستیزه جوئی با ظلم و کفر، صبر بر مصائب و مشکلات، و روح شجاعت و جهاد در راه عقیده و... ایجاد می کند. عزاداری یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است که حتی تظاهر به گریه کردن هم نوعی سربازی و اعلام وابستگی به گروه اهل حق و اعلان جنگ با گروه اهل باطل است و در واقع اعلام موضع است که «أَنِّي سَلِمٌ لِّمَنِ سَأَلْتُمُكَ وَحَرْبٌ لِّمَنِ حَارَبْتُكُمْ وَوَلِيٌّ لِّمَنِ وَالَّاتُّمُ وَعَدُوٌّ لِّمَنِ عَادَاكُمْ» و دشمن از این بعد سیاسی عزاداری می ترسد، از این که ما ملت گریه هستیم، نه گریه مظلومانه و ذلیلانه، بلکه گریه ای که ما را بر دفاع از مظلوم و ایستادگی در برابر ظالم می انگیزاند. امام خمینی (ره) می فرماید:

«ما ملت گریه سیاسی هستیم. ما ملت هستیم که با همین اشکها سیل جریان می دهیم و سرهانی را که در مقابل اسلام ایستاده است خرد می کنیم.»

(صحیفه نور، ۱۳/ص ۳۲۷)

و این سیل هاست که بنیان ظلم و بیدادگری را از بن می کند و پرچم

عدالت و انسانیت را به اهتزاز درمی آورد. و باز می فرماید:

«این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط برای اینست که ما گریه کنیم برسیدالشهداء، نه سیدالشهداء احتیاج به این گریه ها دارد و نه این گریه ها خودش فی نفسه یک کاری از آن بومی آید... جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه های دیگری که هست.

(صحیفه نور، ۱۳/ص ۱۵۳)

مستشرق آلمانی پروفیسور ماربین در باره علت زنده ماندن شیعه می گوید:
ما در میان ملل و اقوام، مردمی مانند شیعه پرشور و زنده ندیده ایم،
زیرا شیعیان به واسطه پیا کردن عزاداری حسین سیاست های
عاقلانه ای را انجام داده نهضت های مذهبی و ثمر بخشی بوجود
می آورند و یقین دارم که سیاست عاقلانه مسلمانان و اجرای برنامه
های زندگی ساز آنان بواسطه عزاداری حسین بوده است. مادامی که
این روش و خصلت در میان مسلمانان وجود دارد هرگز آنان تن به
خواری نمی دهند و تحت اسارت کسی نمی روند. شیعیان در حقیقت
از این راه (اقامه عزاداری حسین (ع)) به یکدیگر درس جوانمردی و
شجاعت می دهند، و پر روشن است امتی که از گهواره تا گور چنین
تعالیم عالی ای می آموزند به چه درجه ای از افکار نغز و سجایای
عالی خواهند رسید .

آری، چنین ملتی سزاوار هستند که به عالیتترین درجات سعادت شرافت
برسند و آنان هستند که از حریم شرافت و حماسه های خود به خوبی
پاسداری می کنند و از این راه به تمدن عالی روز می رسند، و این
مکتب است که حقوق انسانی و اصول سیاست را یاد می دهد .

(فلسفه شهادت و عزاداری حسین بن علی /ص ۹۲)

این گریه و عزاداری است که نهال ایمان و جهاد را در قلوب مردم شکوفا
می سازد و یک ملت حماسه ساز پدید می آورد .

عزاداری و گریه باید در انسان ها، یک حرکت انقلابی ایجاد کند در برابر
ستمگران و روحیه از خود گذشتگی و ایثار را در آنان زنده گرداند . باید با گریه
و عزاداری روحمان را به روح حسینی و حرکت حسینی متصل کنیم و روح
بلندی داشته باشیم و چنان که امام حسین (ع) کاخ ستمگران را فرو ریخت و

مکتب اسلام را نجات بخشید، ما نیز باید چنین باشیم، ولی اگر این روح و فلسفه عزاداری و اشک ریختن فراموش شود و مسئله بصورت یک عادت در آید یا وسیله ای باشد بر گنهکاران که با آن وارد بیمه امام حسین شوند و هر کاری که دلش خواست انجام دهد به امید اینکه گریه کننده ی بر حسین بن علی را عذابی نیست و آتش جهنم بر او حرام است و بدون آن که از نظر اجتماعی عمل معناداری به شمار رود، فقط برای کسب ثواب (که البته دیگر ثوابی هم نخواهد بود) مراسم مجرد از وظایف اجتماعی و بی رابطه با حسین های زمان و بی رابطه با یزید و عبید الله های زمان برپا شود در چنین مراسمی نه تنها تباکی اثر ندارد، اگر یک من اشک هم نثار کنیم بجایی نمی رسد و دشمن هم از چنین عزاداری هراسی نخواهد داشت، آن چه دشمنان اسلام از آن بیم دارند روح عزاداری است که ملت ها را در برابر ستمگران بسیج می کند، دشمن از فعال و متحرک و زنده بودن مکتب شیعه واهمه دارد که با زنده نگهداشتن یاد و خاطره شهادت امام حسین و عزاداری بر آن حضرت ایجاد شده است.

این عزاداری ها و محرم و عاشورا سرمایه عظیم و گرانبهائی است که در اختیار ماست و هر سرمایه مهمی آفت هائی هم دارد، فلذا باید آن را از آفت ها مصون داشت. بدون آسیب زدائی این سرمایه عظیم و جاودانه در معرض خطر قرار گرفته و آن ویژگی ها و آثاری که بر آن بیان شد، نخواهد داشت، دیگر به انسانها روحیه فداکاری و ایثار و جهاد در راه عقیده و... نخواهد داد.

دشمنان نیز متوجه این قضیه شده اند که اگر این عزاداری ها به صورت سالم و کامل و صحیح برگزار گردد، این مکتب جهانی خواهد شد و انسانهایی را تربیت می کند که حاکم بر جهان شده و حاکمیت آنان را به خطر می اندازند. و سعی می کنند با ایجاد تحریفات در مراسم عزاداری، آن روح حسینی را از آن بگیرند و آن بعد سیاسی را از آن جدا کنند و اگر کسی می خواهد عزاداری کند، فقط برای ثواب و بعد عبادی این کار را بکند و انگیزه ای برای

ایستادگی در برابر ستمگران را نداشته باشد. بنابراین می خواهند با شناسائی افراد پول پرست و دارای عقائد سست و بی اطلاع از معارف شیعه در عزاداریها رسوخ کنند و رسومی را اضافه کنند که با عقاید شیعه منافات دارد و با این کارها می خواهند شیعه را از یک مذهب دارای قدرت منطقی به یک مذهب درویشی بی محتوای و خرافی تبدیل کنند تا همگان از آن متنفر باشند و در افکار عمومی مورد تمسخر واقع شوند و بعضی از مداحان ناآگاه که هدفی جز گریاندن مردم ندارند و می خواهند با گریه، همه را به بهشت بفرستند، و یا برای هنرنمایی و پیشی گرفتن از رفیقان یا رقیبان خود مداحی می کنند، بی تقصیر نیستند و هر روز چیز جدیدی از خود ساخته و بر روضه اباعبدالله الحسین می افزایند که واقعاً شناختن چهره واقعی آن حضرت دشوار گشته است، حسین در چهره ای که التماس می کند، حسینی که می خواهد بگریزد ولی دشمن مانع او می شوند، حسینی که در آن وضع با عجله بساط عروسی راه می اندازد تا یکی از جوانان بنی هاشم ناکام از دنیا نرود، و... و وقتی آن روح حماسی حرکت حسینی عزاداری نبود، دشمن نیز از آن نمی هراسد و مخالفتی هم با برگزاری آن ندارد و چنین عزادارانی که پایه آن دروغ و هنرنمایی و بی محتوا و بدون توجه به بعد سیاسی و اجتماعی باشد، امام حسین هم آن را نمی پذیرد، عزاداری که با آهنگ های مبتذل باشد و غلوآمیز باشد و شئون اهل بیت (ع) در آن رعایت نشود و عزاداران آن در ظاهر ادعای عشق و ارادت به ائمه بکنند ولی در عمل و باطن از سیره و روش آنان تبعیت نکنند و خدای نکرده واجبات الهی را ترک نموده و آلوده به محرمات الهی باشند و بخواهند با گریه و اشک بر اباعبدالله الحسین گناهان خود را پاک نمایند، نه تنها به ثوابی نمی رسند بلکه با اعمال خود مذهب حیات بخش تشیع را زیر سؤال می برند و موجب می شوند که رسانه های بیگانه، شیعیان را خرافی، وحشی، و بی منطق معرفی کنند.

متأسفانه چندی است که شکل و محتوای عزاداری ها دچار بدعت و انحرافات خطرناکی شده است و رو به سویی می رود که به یقین با فرهنگ اصیل شیعی نه تنها سازگاری ندارد که حتی منافات و تعارض هم دارد. آری، مدتی است که این انحراف در کشور شیعه و ام القرای جهان اسلام به شدت رواج یافته است. استفاده از تصاویر خیالی و غیرمستند، اشعار و مداحی هایی که جز اهانت به ساحت مقدس معصومان (ع) چیز دیگری در بر ندارد، شیوه های مدرن و پست مدرن عزاداری و تعزیه گردانی، افراط و تفریط در مقدار و طول زمان عزاداری ها، استفاده نابجا از احساسات و عواطف جوانان و مردم به بهانه گریه کردن و گریاندن ... همه و همه جز وهن اسلام و تشیع را در پی ندارند.

شیعه آنقدر منطق و استدلال دارد که نیازی به این خرافه پرستی ها و بدعت گراری ها نداشته باشد. اتفاقاً تبلیغ بر احیای مراسم عزاداری برای ترویج و تبیین همین منطق و استدلال است؛ در حالی که امروزه همه چیز کاملاً برعکس شده و با شیوع این نوع مراسم، آن منطق و استدلال در حال فراموش شدن است. سنت عزاداری اصیل شیعی همواره بر این اصل استقرار داشته است که در مجالس یادبود و روضه خوانی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) غالب وقت شرکت کنندگان به بیان احکام دینی و معارف اسلامی، آموزش اعتقادات صحیح و همچنین تشریح سیره و روش زندگانی آن بزرگواران می گذشت و در پایان با ذکر مصائب آنان و با یادآوری مظلومیشان اشکی ریخته می شد و همگان اعم از واعظ و مداح و مستمع، با روحی پاک از کلاس درس خارج می شدند. این بود که معمولاً حتی مردم عوام سرشار از اطلاعات دینی و اعتقادات محکم مذهبی بودند.

در واقع مجالس عزاداری، هم بهانه ای برای آموزش دین و تبیین زندگی و سیره ائمه اطهار و الگو سازی مناسب برای مردم بود؛ و هم شیوه عزاداری و نوع

اشعار و محتوای آن، آموزه های صحیح علمی و عملی عزاداران را در پی داشت.

ثواب عزاداری به یقین مربوط به عزاداری هایی است که در آن نه تنها نظام تشیع و حرمت امامان و نیز دین مبین اسلام مورد هتک قرار نگیرد که حتی مستحکم تر نیز بشود.

سابق بر این از مداحی و روضه خوانی، به عنوان حسن ختام یا به عنوان نمک مجلس یاد می شد. یعنی عمده وقت مجالس عزاداری را خطابه ها، وعظ ها، بیان احادیث و احکام پر می کرد و در پایان مجلس، روضه ای خوانده می شد و اشکی ریخته می گشت. اما امروز این نمک آنقدر بر سایر اجزای مجالس عزاداری غلبه کرده است و آتش شوری را بار نهاده است که هر که از این آتش استفاده کند بی درنگ راهی بیمارستان می شود.

امروز، ما راه را عوضی می رویم و در واقع، مسیری که انتخاب کرده ایم به ترکستان ختم می شود. امروز متأسفانه در بسیاری از مجالس عزاداری ما نه تنها وعظ و ارشاد و بیان احکام و حقایق دینی جایی ندارد که شیوه عزاداری ها هم اسباب دین گریزی خودمان و تمسخر بیگانگان را فراهم می آورد.

واقعاً چه چیزی از اشعار و مداحی های پوچ و بی محتوی عاید جوانان و شرکت کنندگان می شود؟ آیا فکر کرده ایم که این جوانان و شرکت کنندگان بعد از یک دهه یا حتی یک سال عزاداری، چقدر دارای تغییر رفتار و روش در زندگی شده اند؟ چقدر با شخصیت آن شخص که بر وی گریه می کنند و زرفای وجودی وی آشنا گشته اند؟

آیا این سینه زنی هایی که بیشتر به رقص پا در میادین زورخانه یا به حرکات دسته جمعی و هیجان انگیز قبایل اولیه مکزیکی و آفریقایی شباهت دارد، مورد نظر ائمه اطهار است؟ آیا هر کس محکم تر پا بر زمین بکوبد، شیعه تر و وفادارتر است؟

آیا سر و صورت خراش دادن و خون از سر و صورت و سینه جاری ساختن، قمه زدن و بر زنجیرها تیغ بستن و ... امامان ما را خوشحال می کند؟ آیا چهار دست و پا و در حال عو عو کردن به حرم رفتن، موجب پایداری مکتب تشیع است؟ آیا امامان ما از شیعه می خواهند که سگشان باشند؟

هرگز ... امامان ما سگ نمی خواهند؟ امامان ما برای شیعیانیشان شخصیتی قائل اند و عو عو کردن آنها را نمی پسندند. امامان ما از شیعیانیشان بزرگواری و انسانیت می خواهند. چنانکه آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) می فرماید:

التمه (ع) از ما نخواسته اند که خود را به صورت حیوان در آوریم، آن چه از ما خواسته اند این است که مؤمن صالح باشیم و اخلاق ما اخلاقی باشد که از آن بزرگواران رسیده است.

شیعیانی می خواهند که در بحران ها همراهشان باشند تا اگر لازم شد با اخلاص تمام، وارد تور شوند و بدون توجه به پی آمدهای احتمالی، رو در روی ظالم و کنار مظلوم بایستند. آیا هیچ فکر کرده ایم که عزاداری های امروزی ما هرگز قادر نیست شیعه این چنینی تحویل دهد؟

چه کسی گفته است که یک دعای کمیل نیم ساعته، یا دعای توسل پانزده دقیقه ای باید آنقدر طولانی شود که مردم را از دعا خواندن پشیمان کند؟ ضمن اینکه مفهوم دعا با روضه خوانی که هر کدام در جای خود مهم و ارزشمند است با هم ادغام شود؟ درست است که ما دستور داریم هنگام دعا، امامان و اولیای الهی را به عنوان واسطه فیض و وسیله استجابت دعایمان، واسطه بین خود و خدا قرار دهیم؛ اما چه کسی دستور داده است که دعای قرآن بر سر گرفتن شب های قدر، سه ساعت طول بکشد و به هر امامی که رسیدیم ده دقیقه بر سر و سینه بزنیم؟ چرا با این کارها فلسفه دعا را از بین می بریم؟

آیا امامان ما راضی هستند که تا بعد از نیمه شب صدای بلندگو و صدای

گوش خراش طبل و سنج، آسایش مردم را بگیرد؟

آیا امامان ما راضی هستند که عرصه گذرگاه های عمومی و معابر و خیابان ها جولانگاه رفت و آمد نا منظم و دلبخواه دستجات عزاداری و برپایی تکیه ها و سد معبرهای عجیب و غریب بشود؟

آیا ما اجازه داریم به بهانه عزاداری، تمامی عرض خیابان را اشغال کنیم و حتی راهی باریک برای گذر اتومبیل ها باقی نگذاریم؟ یا حداقل جلو و پشت دسته ها، افرادی را بگماریم که اتومبیل ها را به راه های فرعی هدایت کنند؟ اگر در این ماشین های پشت دسته عزاداری گیر کرده، مریض قلبی یا زن باردار رو به زایمان یا کسی که حامل داروی اورژانسی برای بیماری رو به موت است، وجود داشته باشد... آیا امامان به این نوع ابراز ارادت و عشق! راضی هستند؟

آیا امامان ما راضی هستند که اگر کسی به این افراط و تفریط ها اعتراض کرد، تهمت ضد شیعی و ضد امام حسینی بخورد؟
یادمان نرفته که مجالس سنتی عزاداری، حد اکثر تا ساعت ۱۰ شب تمام می شد تا هم مزاحمتی برای دیگران ایجاد نکند و هم شرکت کنندگان زود تر به استراحت برسند تا نماز صبح شان قضا نشود.

یادمان نرفته است که شعر شاعران و مداحی مداحان، نمونه های بارز معرفتی بود و هرگز به جنبه های عوامانه و تعبیری از قبیل چشمهای قشنگ عباس، ای خوشگل مدینه، من حسین اللهی ام، قریون تو علی جون - فدات بشم حسین جون، همه بگید عباس خوشکله، من مست مستم علی پرستم و تعبیری غلوآمیز چون ظهور الله در مورد ظهور امام زمان و... نمی پرداخت.

مظلومیت امروز ائمه اطهار که از ناحیه بچه شیعه ها روا می شود، کمتر از مظلومیت تیر و شمشیر و نیزه نباشد. مظلومیت ناشی از این عوام بازی ها و بدعت گذاریهای ما شیعه های عموماً مخلص، که باعث پنهان ماندن شخصیت واقعی و

اصیل ائمه و آموزه های آنان می شود، بیش از چیزی است که بنی امیه و بنی عباس خبیث در این راستا انجام داده اند.

امروز وظیفه روحانیان ما سنگین تر از همیشه است. روحانیونی که بعضی از آنان متأسفانه با ساده نگری به قضیه می گویند: هر کس ارادت و اخلاص خود را به ساحت سیدالشهدا و دیگر پیشوایان دینی ما به نوعی ارائه می کند و ما نباید روش ها و حتی محتواها را فیلتر یا محدود کنیم که عده ای از این عزاداران به جای حضور در این مراسم، خانه نشین شوند یا به محافل دیگر کشیده شوند.

روحانیونی که بعضاً بدان شکل و بر اساس باور مذکور و بعضی دیگر از ترس مطرود شدن و رانده شدن توسط این موج فراگیر لب فرو می بندند و با این خرافه پرستی ها و بدعت سازی ها مبارزه نمی کنند و مردم به ویژه نسل جوان را نسبت به خطرات آن آگاه نمی سازند، به یقین مسئولیت دارند و باید پاسخگو باشند.

وظیفه مداحان و ذاکران اهل بیت نیز اگر نگوئیم بیش از روحانیون است، مطمئناً کمتر از آنها نخواهد بود. زیرا علاقه طبیعی مردم به لحن و صوت و اقبال عمومی جوانان به ریتم و ضرب آهنگ و موسیقی و اشعار صرفاً احساسی و عاطفی، نباید موجب آن شود که مداحان و شاعران ما بدان سو گرایش پیدا کنند و هر روز سبکی جدید و طریقه ای نو ابداع نمایند. مداحان نیز باید خود، نیروی متعادل کننده این رویکرد و احیا کننده جریان اصیل عزاداری شیعی باشند.

وظیفه مردم و بخصوص جوانان عزیز نیز در گوش نکردن و بها ندادن به این بدعت ها و گرم نکردن بازار این خرافه ها، وظیفه ای بسیار سنگین است که باید با توکل به خدا و توسل به روح امامان معصوم از عهده آن برآیند.

محبان و ارادتمندان و عاشقان حضرت سیدالشهدا (ع) باید توجه داشته باشند که عزاداری اگر با هدف و به طرز صحیح برگزار شود در مستمعین (در

هر نقطه از زمین و دارای هر دین و آیین و مسلکی که باشند) روحیه ایثار، فداکاری، گذشت، آزادگی، فتوت، مردانگی، غیرت، حق خواهی و حق طلبی، ستیزه جوئی باظلم، صبر بر مصائب و مشکلات، روح شجاعت و جهاد در راه عقیده و ... ایجاد می کند ولی اگر آمیخته با تحریفات و مسائل و کارهای موهن و به روش های ناصحیح برگزار شود این آثار را نخواهد داشت و دیگر موجب بیداری ملت ها نخواهد بود و اگر به خاطر ثواب باشد چه بسا ثوابی هم نخواهد داشت.

چرا این چشمه صاف و زلال را آلوده کرده ایم؟

چه باید کرد با آسیب ها و آفت هائی که عزاداری را تهدید می کنند؟

علماء چه وظیفه ای دارند؟ آیا به وظیفه ی خود عمل می کنند؟

مداحان چه باید بکنند؟ چه بخوانند؟ از کجا بخوانند؟ چگونه بخوانند؟

آیا راهی برای برگزاری عزاداری صحیح داریم؟

یا باید به عزاداری جدید تن در دهیم و طبق رسومات جدید عزاداری کنیم؟

رساله حاضر تلاشی است مختصر برای نقد و تبیین تحریفات و آسیبها

و آفت هائی که عزاداری را تهدید می کنند و بیان راههای صحیح عزاداری و

منابع اصیل و معتبر که وعظ گرانقدر و مداحان عزیز با مراجعه به آن بتوانند به

تمام ابعاد عزاداری، خصوصاً بعد سیاسی و اجتماعی و حماسی آن بپردازند و

روح مستمعان و عزاداران را به روح حسینی و نهضت و حرکت حسینی متصل

نموده و از روح بلند و حماسی برخوردار شوند و ما را نیز از دعای خیر خود

فراموش نکنند.

محمد نیکنام عربشاهی

۱۳۹۵/۱/۱۱

تبریز